

## بررسی تناص قرآنی در ادعیه صحیفه رضویه

مریم جلالی نژاد<sup>۱</sup>

چکیده

بینامتنی (تناص) ترجمه اصطلاح فرانسوی *Intertextuality* است که در زبان‌شناسی قرن بیستم توسط ژولیا کریستوا مطرح شد. بینامتنی نوعی نگرش به متن است که باعث معنادهی جدید به یک متن می‌شود. صحیفه رضویه مجموعه‌ای از ادعیه حضرت امام رضا(ع) است که علاوه بر حسن بلاغت و کمال فصاحت، بر عالی‌ترین مضامین و والاترین معارف الهی مشتمل است. از آنجا که امام رضا(ع)، شاگرد مکتب قرآن هستند، پس بدیهی است که در کلام خود از مفاهیم و مضامین و آیات قرآنی بهره جسته‌اند و آن را با بیانی فصیح و تعبیری عاشقانه و ادیبانه بیان داشته‌اند، به گونه‌ای که در رتبه‌ای فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق قرار گرفته است. بینامتنی میان صحیفه رضویه و قرآن کریم از نوع بینامتنی خارجی است و به طور کلی این تأثیر به دو بخش: ۱- تأثیر عبارات و مفردات قرآنی ۲- تأثیر مفاهیم قرآنی تقسیم می‌شود. استعمال آیات و مضامین قرآنی در صحیفه رضویه به طور ملموس به چشم می‌خورد. بینامتنی صحیفه رضویه با قرآن کریم با کمترین تغییر در الفاظ و معانی و آشکارا صورت گرفته است. تأثیرپذیری امام رضا(ع) از قرآن کریم زیبایی خاصی به ادعیه ایشان بخشیده که قابل انکار نیست.

این جستار بر آن است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی تناص قرآنی در ادعیه صحیفه رضویه و حضور مفاهیم و مضامین و آیات قرآنی در آن بپردازد و تأثیرپذیری آن از آیات نورانی قرآن را آشکار سازد تا چگونگی تأثیر متن غائب (قرآن کریم) را بر متن حاضر (صحیفه رضویه) مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: بینامتنی (تناص)، امام رضا(ع)، صحیفه رضویه

۱. مدرس دانشگاه پیام نور ایمیل: marya.jalali@yahoo.com

تناص (بینامتنیت) یکی از گرایش‌های نقد جدید است که به ارتباط و تعامل با متون می‌پردازد. این نظریه در اواخر دهه شصت توسط ژولیا کریستوا مطرح شد. کریستوا در بازننگری متون از دو محور افقی و عمودی صحبت می‌کند. محور افقی؛ نویسنده و خواننده اثر را به هم مربوط می‌کند و محور عمودی؛ متن را به متون دیگر متصل می‌کند. منظور از بینامتنیت همان محور عمودی است و می‌توان گفت که بینامتنیت، معنایی بیشتر از تأثیر نویسندگان بر یکدیگر دارد.

از آنجا که امام رضا(ع) شاگرد مکتب قرآن هستند پس بدیهی است که در کلام خود از مفاهیم و مضامین و آیات قرآنی بهره جسته‌اند و آن را با بیانی فصیح و تعابیری عاشقانه و عارفانه بیان داشتند. صحیفه رضویه مجموعه‌ای از ادعیه آن حضرت است که علاوه بر حسن بلاغت و کمال فصاحت بر عالی‌ترین مضامین و والاترین معارف الهی مشتمل است.

به نظر نگارنده، بیش‌ترین شکل روابط بینامتنی در ادعیه صحیفه رضویه به صورت آشکار و به شکل‌های نفی جزئی، کلی و نفی متوازی صورت گرفته است و این امر از یک سو بر زیبایی و تأثیر گذاری این اثر افزوده و از سوی دیگر فهم دقیق آن را مستلزم آشنایی با کتاب آسمانی، قرآن مجید نموده است.

در این نوشتار ابتدا با مفهوم بینامتنیت و انواع آن آشنا شده و در ادامه به بررسی بینامتنی قرآن کریم در ادعیه صحیفه رضویه با روش توصیفی-تحلیلی می‌پردازیم.

## ۲- بینامتنیت (تناص)

بینامتنی در ساده‌ترین تعریف، رابطه دو لفظ و در مفهوم عمیق‌تر، رابطه دو متن ادبی با هم است. تبیین مفهوم بینامتنی همانند دیگر مفاهیم نقدی- ادبی ساده نیست. تازگی این نظریه و کاربرد فراوان و متعدد این واژه، تعریف آن را دشوار کرده است. این امر در زبان فارسی و عربی، به دلیل ترجمه‌های ناقص و برداشت‌های ناصحیح و تعدد اصطلاحات دشوارتر می‌نماید.

بینامتنی به عنوان یکی از گرایش‌های نقدی جدید، به چگونگی ارتباط و تعامل متون می‌پردازد. البته در بلاغت و نقد ادبی قدیم نیز مباحثی دیده می‌شود که به نوعی با بینامتنی ارتباط دارد. مباحثی از قبیل سرقات شعری، اقتباس، تضمین، تلمیح و... در آثار پیشینیانی چون آمدی در کتاب (الموازنه بین ابی تمام و البحریری) و قدامه بن جعفر در (الوساطه بین المتنبی و خصومه) و... مطرح شده است، آثاری از این قبیل، هرکدام به نوعی روابط بینامتنی متون را مطرح کرده‌اند (السعدنی، ۱۹۹۱م، ص ۸).

تناص از اصطلاحات مربوط به نقد ادبی است که از حدود چهل سال پیش در جهان ادب شناخته شده است. از زمان حضرت آدم به این سو دیگر نه اشیای نامیده نشده وجود دارد و نه واژه‌هایی که پیشتر به کار نرفته باشد. هر سخنی، عامدانه یا ناعامدانه، با سخن‌های پیشین که درباره همان موضوع گفته شده و نیز با سخن‌های آینده که واکنش‌های آن را پیش‌بینی و احساس می‌کند مکالمه برقرار می‌سازد. این امر نه در مورد ادبیات، بلکه در مورد هر سخنی صادق است (باختین، ۱۳۸۱، ۲۲).

روی هم رفته، آثار ادبی بر اساس نظام‌ها، نشانه‌ها و سنت‌های ایجاد شده توسط آثار ادبی پیشین بنا می‌شوند. دیگر نظام‌ها و نشانه‌ها و سنت‌های هنری در شکل‌گیری معنای یک

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

اثر ادبی حائز اهمیت هستند و اصولاً بدون در نظر گرفتن آنها ما قادر به دریافت معنی از متن نیستیم. این نشان می‌دهد که متن‌ها، خواه ادبی خواه غیر ادبی، فاقد هر گونه معنای مستقل هستند. متون در واقع متشکل از همان چیزی هستند که نظریه پردازان امروزی آن را امر بینامتنی می‌نامند. در واقع تأویل یا خوانش متن ردیابی همان نظام‌ها، نشانه‌ها و سنت‌های فرهنگی است که ما آنها را کشف معنی می‌دانیم به تعبیری بینامتنی، همان نظریه ادبی و فرهنگی مدرن، در زبان‌شناسی قرن بیستم است که ریشه در کار زبان‌شناس معروف فردینان دو سوسور دارد (گراهام، ۱۳۸۰، ۶۳). نه سوسور و نه باختین اصطلاح بینامتنی را در آثار خود به کار نبرده و اعتبار ابداع این واژه نصیب ژولیا کریستوا می‌شود (مک آفی ۱۳۸۵، ۲۱۲).

هر جمل هر بند، یا کل متنی که مؤلف می‌آفریند ریشه در نظام زبانی دارد که برآمده از آن بوده، و از این رو معنای خود را نیز بر اساس همین نظام کسب می‌کند. این نوع نگرشی که توسط بارت مطرح شده، همان نگرشی است که نظریه‌پردازان هم عصر او آن را نگرش بینامتنی نامیده‌اند (گراهام، ۱۳۸۰، ۱۰۵).

موضوعی که باختین در خصوص ارتباط متن با عوامل فرامتنی و اجتماعی مطرح کرد، پس از او در حوزه غربی اروپا؛ یعنی در فرانسه مورد استقبال قرار گرفت. دو شخصیت برجسته همچون ژولیا کریستوا و تزوتان تودورف به نشر آثار و نظرات باختین پرداختند (باختین ۱۳۸۱، ۱۵۱).

واژه بینامتنی را ژولیا کریستوا برای اولین بار در مقاله‌ای در سال ۱۹۶۶ در مجله تل کول Tel Quel و سپس در کتاب سمیوتیک خود در سال ۱۹۶۹ بکار برد (ساموئل، ۲۰۰۷، ۱۰)

کریستوا معتقد است که متن‌ها همواره با یکدیگر تلاقی دارند و هر متن را می‌توان سنگفرشی دانست که از تجمع انواع سنگ‌ها (مرمر، کاشی، موزائیک، سنگ کوهستانی، آجر سنگ سیمانی و ...) شکل گرفته است. پس به نوعی، هر متن با تغییر در متنی دیگر و نفوذ آن در خود تحقق می‌یابد (Kristeva, 1984, p. 60).

اما نباید نقش باختین را در شکل‌گیری نظریه بینامتنی فراموش نمود. اگرچه میخائیل باختین هیچ‌کجا به‌طور مستقیم از واژه بینامتنی استفاده نمی‌کند، اما شاید با طرح این تفکر که هر متن دیالوگی است با متن‌های دیگر، بتوان او را منبع اندیشه بینامتنی کریستوا به حساب آورد. (Dosse, 1997, p. 55) به عقیده باختین «زبان رمان، نظام زبانی است که در گفتگو شکل می‌گیرد» (باختین، ۱۳۸۱، ۱۱۵) همان‌طور که اشاره شد اصطلاح بینامتنی نخستین بار در آثار ژولیا کریستوا؛ متفکر بلغاری تبار، مطرح شد و دوره زمانی آن از اواسط تا اواخر دهه شصت در فرانسه می‌باشد (کریستوا، ۱۳۸۱، ص ۴۴).

البته این بدان معنا نیست که او برای نخستین بار چنین مفهومی را ارائه کرده است. اصطلاح (مناسبات بینامتنی) نخستین بار، توسط صورت‌گرایان روس؛ به ویژه ویکتور اشکلوفسکی با مقاله (هنر به مثابه تمهید) آغاز شد. او در این مقاله نشان داد که انگاره‌ها و تصاویری که شاعر به کار می‌برد، تقریباً بی‌هیچ دگرگونی از اشعار دیگری وام گرفته است. (احمدی ۱۳۸۰، ص ۵۸) از نظر وی «اثر هنری در ارتباط با آثار هنری دیگر و از رهگذر تداعی با آن آثار فهمیده می‌شود» (تودوروف، ۱۳۸۲، ص ۴۱).

تعریف کریستوا از بینامتنی، که هر متن، برگرفته و تحوّل از بسیاری از متون دیگر است دو اصطلاح متن حاضر و متن غایب را وارد مباحث بینامتنی کرد. متن موجود را متن حاضر و متونی که با متن کنونی تعامل داشته، متن غایب نامیده‌اند. یعنی هرگونه متنی (متن حاضر)

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

حاصل یک فرایند تبدیل (عملیات بینامتنی) از متون دیگری (متن پنهان) بوده است. متن پنهان، متن حاضر را روشن می‌کند و خواننده از طریق آن به فهم متن حاضر دست می‌یابد (الموسی، ۲۰۰۰م، ص ۵۱).

#### ۱-۲- آشکال تناصّ (بینامتنی)

برای تناصّ، تقسیمات مختلفی ذکر کرده‌اند که مهم‌ترین این تقسیمات عبارت است از:

الف) تناصّ داخلی: عبارت است از این که ادیب از متن سابق خود در متن جدید استفاده کند. (ناهم، ۲۰۰۰م، ص ۶۴) این نوع تناصّ، در بین یک نسل و در یک روزگار صورت می‌گیرد و وقتی اتفاق می‌افتد که در زندگی اجتماعی و فرهنگی مبدعین، نزدیکی وجود دارد. (ناهم، ۲۰۰۰م، ص ۶۱)

ب) تناصّ خارجی: عبارت است از استفاده ادیب از آن چه دیگران گفته و نوشته‌اند.

دکتر الیافی نیز تناصّ را به دو صورت آشکار و پنهان تقسیم بندی کرده است:

۱) تناصّ آشکار: متنی که از اقتباسات و مضمون‌های ظاهری و مستقیم استفاده کند و مرجعی مستقل داشته باشد. ۲) تناصّ پنهان: متنی که از متن‌های مختلف برگرفته شده و در آن تغییراتی ایجاد شده باشد به گونه‌ای که خواننده متوجه آن نشود (الیافی، ۱۹۹۷م ص ۸۱).

قوانین سه گانه‌ای روابط بین متن حاضر و متن غایب را تفسیر می‌کنند. این سه نوع رابطه مهمترین بخش بینامتنی است که عملیات بینامتنی آن را تبیین می‌کند. این قانون‌های سه گانه بینامتنی (الجنیدی، ۱۴۲۴، ۵۵) عبارتند از:

الف) نفی جزئی (اجترار): در این نوع از روابط بینامتنی، مؤلف جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد و متن حاضر ادامه متن غایب است و ابتکار و نوآوری کم‌تری در آن وجود دارد (عزام، ۲۰۰۵، ۱۱۶).

ب) نفی متوازی (امتصاص): این نوع که از نوع قبلی برتر است، متن پنهان پذیرفته شده است و به صورتی در متن حاضر به کار رفته که جوهر آن تغییر نکرده است. (خلیل، ۲۰۰۰، ۵۵)

ج) نفی کلی (حوار): از بالاترین درجه رابطه بینامتنی است و به خوانشی آگاهانه و دقیق نیاز دارد که متن پنهان را به زیرکی درک کند؛ زیرا مؤلف در این نوع از روابط، متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند، به گونه‌ای که در خلاف معنای متن پنهان به کار می‌رود و معمولاً این امر ناخودآگاه روی می‌دهد. (وعدالله، ۲۰۰۵، ص ۵۲)

### ۳- تناص (بینامتنیت) قرآنی در ادعیه صحیفه رضویه

#### ۳-۱- تأثیر مفردات قرآنی

الفاظ، ماده اولیه‌ای است که هر ادیبی به وسیله آن تصاویر ذهنی خود را ارائه می‌دهد. بینامتنی لفظی، به کار گرفتن کلمات یا مفرداتی از متن غایب می‌باشد که از طریق دلالت معنایی، سیاقی در متن حاضر می‌گردد.

۱- متن حاضر: (وَ وَدَّتِ الْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِقَوْلِكَ : «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ» وَ حَذَّرَتِ الْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ فَقُلْتَ : «قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (موحد ابطحي ۱۳۸۱، ص ۱۶۰)

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

متن غایب: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر، ۵۳) و «قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر/۵۶)

در دعای ۲۱ در صحیفه رضویه، امام رضا(ع) کلام خود را مزین به آیات نورانی قرآن فرموده‌اند. حضرت رضا(ع) در این قسمت از دعایشان، برای درخواست دفع و از بین رفتن سختیها و مشکلات از خداوند از این آیات نورانی قرآن استفاده می‌کنند که از نظر لفظ و معنا با آنچه که می‌خواهند بیان کنند تناسب و هماهنگی دارد.

به نظر نگارنده حضرت در دعایشان، هم از رحمت خداوند به ناامیدان از درگاهش و هم برحذر داشتن از ناامیدی از رحمت خداوند سخن می‌گویند، البته خطاب خویش را خالق یکتا قرار می‌دهند و به درگاه بی نیاز مطلق روی می‌آورند. حضرت در کنار هر کدام آیه مربوطه را قرار می‌دهند تا به خوبی مفهوم مورد نظرشان را منتقل نمایند و خواننده به خوبی دریابد که باید به درگاه خالق یکتا دست نیاز برآورد. بینامتنی به کار رفته از نوع خارجی است و بسیار واضح و آشکار است و هیچ تغییری نیز در آن دیده نمی‌شود.

۲- متن حاضر: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ.»

متن غایب: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (غافر/۶۰)

امام رضا(ع) در دعایی برای دفع و از بین بردن سختیها و مشکلات از آیه ۶۰ سوره غافر بهره جسته‌اند و کلامشان را به این آیه نورانی مزین نمودند. حضرت آیه شریفه را بدون



هیچ تغییری به کار برده‌اند و بینامتنی به کار رفته واضح و آشکار و از نوع نفی جزئی است و معنا و مفهوم آیه نیز به خوبی منتقل شده است.

۳- متن حاضر: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰)

متن غایب: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ» (الاسراء/۷۱)

این آیه تصریح می‌کند که تقسیم بندی مردم در قیامت، براساس رهبرانشان خواهد بود و انسان، ناگزیر باید الگو و رهبری را برای خود انتخاب کند. امامت و ولایت، در متن زندگی مطرح است، نه آنکه صرفاً موضوعی اعتقادی و در حاشیه زندگی باشد. رهبری است که مردم را اهل سعادت یا شقاوت می‌کند. امام رضا(ع) بر این کلام حق، تاکید میکنند و می‌فرمایند: سخن حقی است که هیچ رد و تغییری در آن وجود ندارد. بینامتنی به کار رفته نیز آشکار و واضح است.

۴- متن حاضر: «فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۸)

متن غایب: «فَاِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ» (الصفافات/۱۷۷)

امام رضا(ع) قسمت پایانی آیه شریفه را در کلامشان به کار می‌برند، پس همین که عذاب بر آنها احاطه یافت، آنگاه در می‌یابند که چه بد روزگاری برای انذار شدگان خواهد بود. درون مایه اصلی این آیه وصف حالت مشرکانی است که در آمدن عذاب خداوند شتاب می‌کنند و هنگامی که عذاب خداوند بر آنان فرو فرستاده می‌شود با آنکه بیم داده شده بودند، اما چه صبحگاه بدی را خواهند داشت. امام رضا(ع) با استفاده از این آیه مفهوم مورد نظرشان را در پایان این دعا که برای دفع شر دشمنان در قنوت نماز خوانده می‌شود

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

به خوبی منتقل کرده‌اند. بینامتنی به کار رفته واضح و آشکار است و واژگانی هم که به کار رفته‌اند با معنا و مفهوم تناسب دارند.

۵- متن حاضر: «قَالَتِ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱ ص ۱۸۱)

متن غایب: «قَالَتِ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (مریم / ۱۸)

حضرت مریم(س) از شدت وحشتی که از حضور جبرئیل عارض شده بود مبادرت به سخن کرد، او خیال می‌کرد که وی بشری است که به قصد سوء به آنجا آمده است، لذا خود را به پناه رحمان سپرد تا رحمت عامه الهی را که هدف نهایی منقطعین عباد است متوجه خود سازد. اگر حضرت مریم(س) پناهندگی خود را مشروط به جمله «إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» نموده است، از قبیل اشراط به وصفی است که مخاطب برای خود ادعا می‌کند و یا واقعا در او هست، تا در حکم مشروط افاده طلاق نموده و بفهماند که علت حکم همان وصف است، چون تقوی وصف جمیلی است که هر انسانی از اینکه آن را از خود نفی کند کراهت دارد و بر هر کس گران است که به نداشتن آن اعتراف ورزد، پس برگشت معنا به این می‌شود که من از تو به رحمان پناه می‌برم اگر تو با تقوی باشی و چون باید با تقوی باشی، پس همان تقوایت باید تو را از سوء قصد و متعرض شدن به من باز بدارد.

با کمی تأمل در آیه شریفه، معنا و مفهوم به خوبی منتقل می‌شود و مخاطب به خوبی به این نکته پی می‌برد که این نوع ارتباط بین متن غایب و حاضر نشان دهنده پیوند امام(ع) با کتاب آسمانی؛ قرآن کریم است. بینامتنی به کار رفته آشکار و به صورت نفی متوازی است هر چند که با اندکی تغییر در الفاظ (حذف) است.

۶- متن حاضر: «اٰخْسُوْا فِيْهَا وَا تَكْلُمُوْنَ» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۱)

متن غایب: «قَالَ اٰخْسُوْا فِيْهَا وَا تَكْلُمُوْنَ» مؤمنون / ۱۰۸

در دعای ۳۹ صحیفه رضویه امام رضا(ع) با استفاده از آیه شریفه سوره مؤمنون بر زیبایی کلامشان افزوده‌اند و آیه شریفه را آشکارا و واضح به کار برده و فقط فعل (قال) را در ابتدای آیه نیاورده‌اند. از آنجا که آیه شریفه در ابتدای دعای حضرت \_ این دعا برای استفاده از حرز است - قرار دارد، کاملاً نیاوردن فعل (قال) بجا و مناسب بوده است و این امر، یکبار دیگر گواه این است که به راستی ایشان امیر سخن هستند. این آیه می‌فرماید (دور شوید و به دوزخ روید و با من سخن مگوئید)، (اخساء) کلامی است که هنگام راندن سگ می‌گویند. به عبارت فارسی یعنی چخ کردن، پس این کلام حاوی زجر و راندن اهل جهنم و قطع کلام ایشان است. لذا در آن روز گنهکاران نمی‌توانند درباره گناهانشان عذر و بهانه آورند. این آیه کاملاً با آیه قبل متناسب است که امام رضا(ع) این دعا را با آن آغاز می‌کنند. حضرت رضا(ع) به خوبی لفظ و معنا را به مخاطب منتقل نموده‌اند. بینامتنی به کار رفته در اینجا نیز آشکار و واضح است.

۷- متن حاضر: «اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًاۙ اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًاۙ» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴)

متن غایب: «فَاِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًاۙ اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًاۙ» (شرح / ۵ و ۶)

امام رضا(ع) تنها با حذف حرف فاء از این آیه شریفه بهره جسته و آن را در دعایی که برای تعویذ انسان‌ها و چهارپایان است، آورده‌اند. بینامتنی در این جا واضح است و حضرت بدون تغییر، مفهوم مورد نظرشان را منتقل ساخته‌اند. این آیه شریفه به بیان یکی از سنتها و برنامه‌های الهی آن می‌پردازد که به دنبال هر سختی، آسانی است. از نظر روانی هنگام برخورد با مشکلات نباید تمام ذهن متوجه آن شود، بلکه باید به سهولت‌های پس از آن، که

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

مورد وعده و سنت الهی است نیز توجه نمود. عُسر سبب یُسر است. کلمه «مَع» ممکن است به معنای سبب باشد؛ یعنی هر سختی در درون خود تجربه‌ها و سازندگی‌هایی دارد. حذف حرف فاء در جمله دوم «فانَّ مع العسر يسرا، انَّ مع العسر يسرا» بیانگر آن است که این اصل عمومی است و مخصوص پیامبر نیست.

۸- متن حاضر: «وَيُهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴)

متن غایب: «هَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» (کهف / ۱۰)

این آیه شریفه به داستان اجمالی پناه بردن اصحاب کهف به غار، برای حفظ ایمان و کسب رحمت و عنایت خداوند اشاره دارد که خداوند برای آنها راه هدایت و نجات را فراهم میسازد. به نظر نگارنده، در متن حاضر، حضرت خود آیه را عیناً به شکل مستقیم وارد متن غایب نموده‌اند و از آنجا که آیه شریفه در معنی دیگری است و حضرت از این آیه برای معنای دیگر بهره برده‌اند، تنها تفاوت ایجاد شده، در التفات از خطاب به غیاب است؛ یعنی در متن غایب، اصحاب کهف خداوند را خطاب قرار داده و فعل به صورت امر است، اما در اینجا فعل به صورت مضارع به کار می‌رود که دلالت بر استمرار و پیوستگی آن دارد. رابطه بین متن حاضر (دعا) و متن غایب (قرآن کریم)، رابطه نفی کلی (حوار) است. این نکته قابل ذکر است که در دعای ۴۶ صحیفه رضویه، از آیات نورانی بسیاری استفاده شده است که آیه ذکر شده را به صورت موردی انتخاب نموده و مورد بررسی قرار داده‌ایم.

۹- متن حاضر: «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ

الْوَهَّابُ» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۸)

متن غایب: «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ  
\*رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آل عمران ۸ و ۹)

امام رضا(ع) از این الفاظ نورانی در متن غایب به خوبی بهره جسته‌اند. واضح‌ترین نوع بینامتنی (تناس)، نفی متوازی (امتصاص) در این دعای ۵۳ صحیفه رضویه است چرا که الفاظ در متن حاضر همان معنا و مفهومی را دارا هستند که در متن غایب ایفا می‌کردند.

۱۰- متن حاضر: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا\*لَّا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۹)

متن غایب: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا\*لَّا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا» (طه / ۱۰۵-۱۰۷)

به نظر نگارنده، امام رضا(ع) الفاظ قرآنی را آشکارا و مستقیم و به شکل نفی متوازی در این قسمت از دعای ۵۶ صحیفه رضویه به کار برده‌اند.

۱۱- متن حاضر: «فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا\*فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا.....ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵)

متن غایب: «فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا\*فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا.....ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» (مریم / ۲۲-۳۴)

این آیات شریفه از پربسامدترین داستانها در قرآن مجید سخن می‌گوید. داستان بارداری حضرت مریم(س) و تولد حضرت عیسی(ع) را توصیف می‌کند و امام رضا(ع) به خوبی آن را به صورت مستقیم وارد دعایشان کرده‌اند. بینامتنی به کار رفته در این دعا، به قدری آشکار و واضح است که قابل انکار نیست و واضح‌ترین نوع بینامتنیت (تناس)، نفی

متوازی است، چرا که الفاظ در متن حاضر به خوبی کار خود را انجام داده‌اند و معنای مورد نظر در متن غایب را نیز دارا هستند.

۱۲- متن حاضر: «وَارْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶)

متن غایب: «قُلْ رَبِّ ارْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (الإسراء / ۲۴)

خداوندی که به ما اجازه نداده در برابر پول و ثروت تواضع کنیم، درباره پدر و مادر فرموده: و بگو پروردگارا! همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.

حضرت در ادامه دعایشان که برای مناجات با خداوند است و در آن وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) را واسطه قرار می‌دهند، به زیبایی و مهارت، کلامشان را با دعاهایی در مورد پدر و مادرشان به پایان رسانده‌اند. اینکه حضرت ابتدا از جد بزرگوارشان صحبت نموده و بعد از پدر و مادرشان صحبت کرده‌اند و این خود اشاره به جایگاه رفیع پدر و مادر دارد و اینکه دعای پدر و مادر در حق فرزندان تا چه اندازه می‌تواند مؤثر باشد. بینامتنی به کار رفته به شکل مستقیم و آشکار است و رابطه نفی جزئی (اجترار) در آن دیده می‌شود.

۱۳- متن حاضر: «الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ\* وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» و «وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۸)

متن غایب: «الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ\* وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» (الزخرف ۱۴ و ۱۳) و «وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (هود / ۴۱)

امام رضا(ع) در دعایی به هنگام سوار شدن به سواریه‌ها - در دریا و خشکی - کلام خود را به طور مستقیم مزین به آیات نورانی قرآن کریم نموده‌اند. بینامتنی در این دعا آشکار و واضح است و الفاظ در متن حاضر همان معنا و مفهومی را دارا هستند که در متن غایب ایفا می‌کردند. واضح‌ترین نوع بینامتنیت (تناص)، نفی متوازی (امتصاص) است که در این دعا به چشم می‌خورد.

### ۲-۳- تأثیر مفاهیم قرآنی

در نوع پیشین حضور متن غایب در متن حاضر بیشتر با محوریت لفظ بود، اما در این نوع از روابط بینامتنی، نویسنده یا گوینده با الهام گرفتن از آیه قرآنی و پس از دریافت مضمون مفهوم آن را با الفاظ و تعابیر خود بیان می‌کند، به گونه‌ای که خواننده حضور لفظی محسوس یا ذکری صریح از متن غایب را نمی‌بیند.

۱- متن حاضر: «یا ربُّ لِمَا سَمِعْتِكَ تُنَادِي الْمُسْرِفِينَ إِلَىٰ بَابِكَ» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱ ص ۱۵۴)

متن غایب: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (زمر/ ۵۳)

بینامتنی به کار رفته در این دعا آشکار و واضح است و واژگانی چون «المسرفین، تنادی و باب»، به خوبی مفهوم مورد نظر مخاطب را تداعی می‌کنند. این مفهوم از متن غایب در متن حاضر به خوبی به نمایش گذاشته شده است که تعبیرات این آیه نشان می‌دهد که از امید بخش‌ترین آیات قرآن مجید نسبت به همه گناهکاران است و شمول و گستردگی آن به حدی است که طبق روایتی امیر مؤمنان علی(ع) فرمودند: در تمام قرآن، آیه ای وسیعتر از این آیه نیست (ما فی القرآن آیه اوسع من یا عبادى الذين اسرفوا... ) رابطه بینامتنی به کار

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

رفته از عالی‌ترین سطح آن یعنی، نوع نفی کلی (حوار) می‌باشد. و معنا و مفهوم مورد نظر به خوبی در روح و جان خواننده می‌نشیند.

۲- متن حاضر: « لَمْ أَرَهُ فَلَا تَحْرَمْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ رُؤْيَتَهُ وَارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَاسْتَقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِغًا هَنِيئًا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا » (موحد ابطحي، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶)

متن غایب: « اذ قال إبراهيم رب اجعل هذا بلداً آمناً وارزق أهله من الثمرات » (بقره/ ۱۲۶) و « لا يصيبهم ظمأ ولا نصب ولا مخمصة في سبيل الله » (توبه/ ۱۲۰)

ریشه فعلی (رزق) و مشتقات آن ۳۵ بار به صورتهای مختلف در قرآن مجید به کار رفته است. (عبد الباقی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۲) حضرت در دعایشان از خداوند خواسته‌اند که هم- صحبتی با پیامبر اکرم(ص) را در روز قیامت روزیشان کند. در ادامه، حضرت کلام خود را مزین به مفهوم آیه قرآنی از سوره توبه نموده‌اند. هر چند که کلمه به کار رفته در متن غایب با متن حاضر متفاوت است. واژه ضمناً تنها یکبار در قرآن به کار رفته (عبدالباقی ۱۳۸۷، ۵۸۰) و در متن حاضر به صورت فعل منفی به چشم می‌خورد. بینامتنی به کار رفته آشکار و واضح است و رابطه بین متن حاضر و غایب به صورت نفی کلی (حوار) است و مخاطب به خوبی به این نکته پی می‌برد که این نوع ارتباط بین متن غایب و متن حاضر نشان دهنده این مطلب است که حضرت دست پرورده مکتب وحی هستند.

۳- متن حاضر: « وَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ حَيْفَتِهِ » (موحد ابطحي، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹)

متن غایب: « الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ » (حج / ۳۵)



این آیه در وصف فروتنان خداجو می‌فرماید: آنان کسانی هستند که وقتی نام و یاد خدا به شکوه و عظمت برده شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد. این ترس، به خاطر مسئولیت‌هایی است که بر دوش داشتند و شاید در انجام آن کوتاهی کرده‌اند، این ترس به خاطر درک مقام با عظمت خدا است که انسان در مقابل عظمتش خائف می‌گردد.

بینامتنی به کار رفته آشکار و واضح بوده و به شکل غیر مستقیم به کار رفته است و امام رضا(ع) به خوبی میان متن حاضر و غایب ارتباط برقرار کرده و مفهوم مورد نظرشان را به مخاطب منتقل نموده‌اند. حضرت، همان‌گونه که از الفاظ نورانی قرآنی بهره جسته‌اند، به خوبی فصاحت و بلاغت موجود در این کتاب اسمانی را نیز به کلامشان آورده‌اند. از آنجا که ایشان دست پرورده مکتب وحی و قرآنند این امر، امری بدیهی می‌باشد.

۴- متن حاضر: «منحته بالاجابة والشفاعة» (موحدابطحی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۴)

متن غایب: «لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (ضحی / ۵)

امام رضا(ع) در دعایی که در آن وجود مقدس پیامبر اکرم(ص) را شفیع خود قرار می‌دهند از آیه نورانی قرآن کریم بهره جسته‌اند. امیدوارکننده‌ترین آیه قرآن، آیه «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» می‌باشد که مراد از آن، شفاعت است و این مقام به پیامبر اکرم(ص) داده شده است. بینامتنی به کار رفته در این آیه بسیار آشکار و واضح است و امام رضا(ع) به خوبی در بین متن حاضر و غایب ارتباط برقرار کرده‌اند، به گونه‌ای که خواننده با خواندن متن حاضر، متن غایب در ذهنش نقش می‌بندد. در این فراز، بالاترین نوع بینامتنی، یعنی نفی کلی (حوار) وجود دارد.

۵- متن حاضر: «و ما أبصِرُ و من شرِّ كلِّ دابةٍ، ربُّ أنت اخذُ بناصيتها، أنكَ علی صراطِ مستقیم» (موحدابطحی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۶)

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

متن غایب: «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (هود/۵۶)

این آیه شریفه اشاره به محاجه حضرت هود(ع) با قوم خودش دارد و به آنان میفهماند که من در توکل کردنم به خدا، پیروزم، چون خدای تعالی محیط بر کار من و شما است و او شما را هلاک می‌کند نه مرا، زیرا او بر صراط مستقیم است؛ یعنی در برخورد حق با باطل همواره سنتش یک سنت بوده و آن عبارت بوده از یاری کردن حق و غلبه دادن آن بر باطل. به نظر نگارنده، امام رضا(ع) با التفات از غیاب به خطاب، در آیه کمی تغییر وارد می‌کنند و این تغییر هم بنا بر مضمون دعای وارده می‌باشد. ایشان با مهارت به خوبی تعامل بین متن حاضر و غایب را برقرار کرده‌اند.

معنای مورد نظر در متن غایب به خوبی در متن حاضر به نمایش گذاشته شده است. خواننده با مطالعه و آشنایی با متون دینی به ویژه قرآن کریم، به معنای مورد نظرش دست پیدا میکند و بینامتنی به کار رفته به شکل خارجی و آشکارا و به صورت نفی کلی (حوار) می‌باشد.

۶- متن غایب: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۳)

متن حاضر: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب / ۳۳)

امام رضا(ع) با به کار گرفتن مضمون قرآنی، زیبایی خاصی به کلام خود بخشیده‌اند و این زیبایی را به وضوح می‌توان در دعای مربوطه دید. با اندکی تأمل در معنای عبارت متن حاضر (دعا)، متن غایب (قرآن کریم) به ذهن تداعی می‌شود که از لحاظ مفهوم و معنی

دقیقا معادل آیه ۳۳ سوره احزاب است. بالاترین نوع بینامتنی، بینامتنی حواری (نفی کلی) در این بند از دعا به کاررفته است. ذکر این نکته ضروری است که با کمی تغییر در الفاظ، اما باز هم وجود واژگانی چون: اهل بیت، الرجس و... مخاطب را در درک مفهوم و معنی مورد نظر کمک می‌کند.

به نظر نگارنده این نکته قابل ذکر است که استفاده از واژگان قرآنی، به معنای بهره نبردن از مضامین قرآنی در یک دعا نیست، زیرا امام رضا(ع) گاهی از عین واژگان قرآنی و گاهی از مفاهیم و مضامین قرآنی تأثیر پذیرفته‌اند و در برخی از دعاها، از مفردات و مفاهیم قرآنی با هم استفاده کرده‌اند.

### نتیجه

با بررسی‌های به عمل آمده در ادعیه صحیفه رضویه مشخص می‌شود که ارتباط بسیار تنگاتنگ و انکار ناپذیری بین متن قرآن کریم (متن غایب) و ادعیه صحیفه رضویه (متن حاضر) وجود دارد و این امر بر فصاحت و بلاغت این دعاها بیش از پیش افزوده است. امام رضا(ع)، شاگرد مکتب قرآن هستند، پس بدیهی است که در کلام خود از مفاهیم و مضامین و آیات قرآنی بهره جسته‌اند، به گونه‌ای که کلام ایشان در رتبه‌ای فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق قرار گرفته است. بنابراین روابط بینامتنی میان صحیفه رضویه و قرآن کریم از نوع بینامتنی خارجی است و استعمال آیات و مضامین قرآنی در صحیفه رضویه به طور ملموس به چشم می‌خورد. تأثیر پذیری امام رضا(ع) از قرآن کریم، زیبایی خاصی به ادعیه ایشان بخشیده به طوری که قابل انکار نیست. به نظر نگارنده، انگیزه امام رضا(ع) از به کارگیری آیات قرآنی در کلام خویش، بلاغت افزایی، بهره بردن از استدلال و احتجاج موجود در قرآن با زبان دعا و در نتیجه تأثیر گذاری بیشتر در مخاطب است. به هر

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

حال تناص صحیفه رضویه با قرآن کریم هم در سطحی ترین روابط (نفی جزئی) و هم در عالی ترین سطح، (نفی کلی) وجود دارد. پر واضح است که روابط بینامتنی در این دعاها، از یک سو بر زیبایی و تأثیر گذاری این دعاها افزوده و از سوی دیگر فهم دقیق آنها را مستلزم آشنائی با مفاهیم و مضامین قرآنی و دینی نموده است.

## منابع

قرآن کریم.

۱. احمدی، بابک (۱۳۸۰) *ساختار و تأویل متن*، تهران: نشر مرکز، چاپ چهارم.
۲. الیافی، نعیم (۱۹۹۷م) *اطیاف الوجه الواحد*، دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
۳. باختین، میخائیل (۱۳۸۱)، *سودای مکالمه*، خنده، آزادی، مترجم: محمد جعفر پوینده، تهران: نشر چشمه، چاپ دوم.
۴. تودوروف، تزوتان (۱۳۸۲ه.ش) *بوطیقای ساختارگرا*، ترجمه محمد نبوی، تهران: نشر آگاه، چاپ دوم.
۵. الجندی، تهامه (۱۴۲۴) *قراءات فی الشعر السوری المعاصر*، بی جا: بیان الکتب.
۶. خلیل، موسی (۲۰۰۰) *قراءات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر*، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.
۷. ساموئل، تیفین (۲۰۰۷) *التناص ذاكرة الأدب*، مترجم نجیب غزوی، دمشق: اتحاد کتاب العرب، الطبعة الأولى.

۸. السعدنی، مصطفی یس (۱۹۹۱) *التناص الشعری قراءه أخرى لقضية السرقات*، توزیع منشأه المعارف بالاسکندریه.
۹. عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۸۷) *المعجم المفهرس*، قم المقدسه: مطبعه نوید اسلام، الطبعة الثامنة.
۱۰. عزام، محمد (۲۰۰۵) *شعرية الخطاب السردی*، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب، ط ۱.
۱۱. کریستوا، ژولیا (۱۳۸۱) *کلام مکالمه زمان*، به سوی پسامدرن، مترجم: پیام یزدان جو تهران: نشر مرکز.
۱۲. گراهام، آلن (۱۳۸۰) *بینامتنیت*، مترجم: پیام یزدان جو، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
۱۳. موحد ابطحی، محمد باقر (۱۳۸۱) *الصحیفه الرضویه الجامعه*، قم المقدسه: نشر مؤسسه امام مهدی (عج).
۱۴. مک آفی، نونل (۱۳۸۵)، *ژولیا کریستوا*، مترجم: مهرداد پارسا، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
۱۵. ناهم، احمد (۲۰۰۰م) *التناص فی شعر الرواد*، بغداد: دار الشؤون الثقافیة العامة، الطبعة الأولى.
۱۶. وعد الله، لیدیا (۲۰۰۵) *التناص العرض فی شعر عز الدین المناضرة*، دار المندولای، ط ۱.
۱۷. Dosse, Francois (۱۹۹۷) *Histoey of structuralism, The rising sing* – Tranlated by Deborah Glassman, The Regents of the university of Minnesota press. ۱۸- Kristeva, Julia (۱۹۸۴) *Revolution in poetic language* , trans LeonnsRoudiez , New York Columbia university press